

﴿ به نیوی خودای مه زن ﴾

عنوان:

بررسی آرایه های ادبی و عناصر زیبایی سخن در اشعار میرزا احمد داواشی

زاهد سعیدی تبار^۱

سان احمد سلیمانی^۲

۱. پژوهشگر، کارشناس ارشد زبان ادبیات فارسی. Zahd6670@gmail. com

۲. شاعر و پژوهشگر، دبیر انجمن ادبی مولوی کورد شهرستان جوانرود

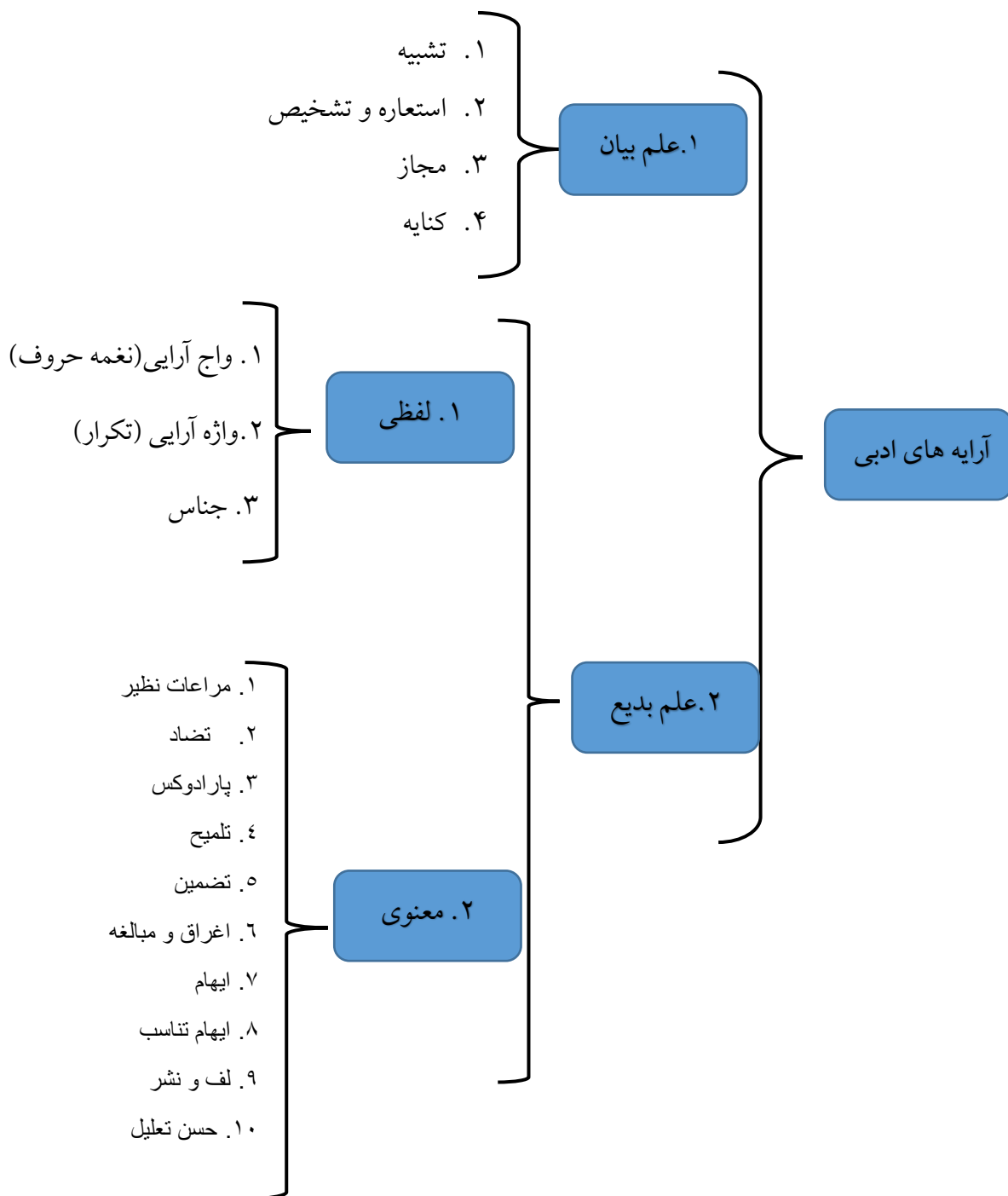
چکیده:

بی شک یکی از مؤلفه‌های شاعران بزرگ هر قوم و ملتی، نمود جلوه‌های زیباشناختی و استفاده از عناصر صورخیال به صورت هنرمندانه، نه به صورت تصنعی و نمایشی در آثار آنان است و بر همین اساس در تاریخ ادب فارسی، حافظ، سعدی و مولانا بیشتر از دیگر شاعران در این عرصه سرآمد شده‌اند و علاقمندان علم زیبا شناسی ادبی را سیراب ساخته و می‌سازند و همچنین در پهنه ادب کُردی شاعران برجسته‌ای همچون ماموستا نالی، مه‌حوی، مه‌وله‌وی، گُوران و هیمن در این زمینه مجال جلوه‌گری بیشتری یافته‌اند. در واقع صنایع ادبی از هنرمندیهای شاعرانه‌ای هستند که بر زیباییهای لفظی و معنایی شعر می‌افزایند، شاعران از دیر باز از این فنون شاعرانه برای برانگیختن ذوق و قریحه خوانندگان بهره می‌بردند، شاعر مورد بررسی ما «میرزا احمد داواشی» (تولد ۱۳۵۹-۱۲۸۰ ه.ش) به عنوان شاعری که روح کلمات را به خوبی درک می‌کند با بکارگیری عناصر زیبایی سخن و آرایه‌های ادبی بر جلوه‌ها و جنبه‌های هنری شعرش افزوده است، همچنین با آگاهی از ظرفیت‌های گسترده‌ی هنری و زبان شعری و احساس لطیف خود در قالب اشعار غنایی و مضامین آن عشق، خیال ورزی و توصیف طبیعت زیبایی ادبی خاصی بر اشعارش بخشیده است. دراین پژوهش اگر چه بسامد عناصر زیبایی سخن و آرایه‌های ادبی، گستردگی بیشتری دارد به روال معمول به بررسی برخی از آرایه‌هایی که در اشعار شاعران پرکاربردتر هستند پرداخته شده است.

کلید واژه‌ها:

صور خیال، عناصر زیبایی سخن، آرایه‌های ادبی، میرزا احمد داواشی

«فلوچارت آرایه های ادبی بررسی شده در پژوهش»



موضوعی که پژوهش حاضر به آن می‌پردازد بررسی زیباشناسی در شعر میرزا احمد داواشی است که بدون شک یکی از ویژگیهای ذاتی ادبیات به عنوان یک هنر، زیبایی است. هرانسانی ادراکی از زیبایی دارد که با دیدن یک اثر هنری به دست می‌آید. زیبایی در دیدگاه ملتها، فرهنگ ها و اقوام و افراد مختلف به اشکالی گوناگون تعریف می‌شود، لذا نمی‌توان یک تعریف واحد از آن ارائه داد. در واقع می‌توان گفت که وظیفه ی اصلی زیباشناسی مدرن شرح دادن اثر هنری بوده است و باید گفت که زیبایی امری نسبی و تابع شرایط گوناگون است و حتی از جامعه‌ای به جامعه دیگر و یا از فرهنگی به فرهنگ دیگر متفاوت می‌باشد. اما بدیهی است ادبیات و شعر یکی از بسترهای مهم تجلی زیبایی‌ها است. ((ادبیات عبارت است از آنگونه سخنانی که از حد سخنان عادی، برتر و والاتر بوده است و مردم آن سخنان را در میان خود ضبط و نقل کرده اند و از خواندن و شنیدن آن‌ها دگرگون گشته و احساس، غم، شادی و یا لذت کرده‌اند)) (زرین کوب ۱۳۹۳).

یکی از ویژگیهای بارز شعر میرزا احمد داواشی عنصر خیال پردازی است وی با بهره گیری از قوه تخیل خود سخن را با آمیختن عناصر زیبایی سخن و آرایه های بارز ادبی از گفتار معمول فراتر می‌برد و در این راستا از تمام جلوه‌ها و مظاهر طبیعت بهره می‌گیرد. این شاعر بر اساس تجارب شخصی و قریحه سرشار خود از صورهای خیال و تشبیهات زیبا و دل انگیز و انواع آن، واژه آرای، واج آرای، تشخیص، تلمیح و استعاره، توصیفات بدیع و تازه، ایهام، کنایه و ... بهره برده است.

پیشینه پژوهش:

اگرچه در مورد بررسی زیبایی شناسی و عناصر صور خیال پژوهش های گسترده‌ای در مورد شاعران برجسته فارسی زبان ایران صورت گرفته است؛ همچنین پژوهش‌هایی در مورد بعضی از شاعران کُرد زبان همچون نالی، مولوی، خانای قبادی و ... صورت گرفته است اما در مورد شاعر مورد بحث و موضوع مذکور جدا از کتاب مجموعه مقالات بررسی و تحلیل آثار و اندیشه های میرزا احمد داواشی به طور خاص و ویژه تاکنون پژوهش جامعی صورت نگرفته است و همچون بیشتر شاعران کُرد زبان ناشناخته مانده است.

۱ تشبیه :

تشبیه در لغت به معنای همانند ساختن است، و در اصطلاح عبارت است مانند کردن چیزی به چیز دیگر: به شرط داشتن وجوه یا صفاتی اشتراکی و ادعایی یا به عبارت دیگر «این ماندگی مبتنی بر کذب است یعنی با اغراق همراه است و در واقع مابین شباهت و همانندی را ادعا و برقرار یا آشکار می‌سازیم» (شمیسیان ۱۳۷۰).

تشبیه از جمله بارزترین و پرکاربردترین اشعار کُردی و فارسی و همچنین از کاربردی ترین آرایه شعر شاعر مورد پژوهش است. نمونه

* لهب چوون گول خه‌ندان، نیش ناز چوون خار
شیرین چوون شه‌که‌ر، تال چوون زه‌هرمار

در این بیت شاعر لب محبوب را به گل خندان و نو شکفته تشبیه کرده و همچنین با زیبایی خاصی ناز و عشوه اش را به خار مانند کرده است.

توضیح اینکه معشوق هنگام خندیدن مانند گل شیرین و جذاب است و در زمان ناز و ادا همچون زهر مار تلخ و کشنده است.

* کولم گونا سوور، وه‌ک هه‌نار ساوا
گه‌رده‌ن زه‌رد له‌ته‌رح، زه‌رده‌ی خوړ ئاوا

شاعر در این بیت با تبحر کامل خونابه‌ی گونه‌ی یار را به انار سرخ و یا قوتی ساوه مانند کرده و با استفاده از ادات تشبیه واژه «وه‌ک» را به جای «چون» که نوعی ویژگی سبکی است به کار برده است. شاعر در مصرع دوم زردی گردن معشوق را با اغراق خاصی به زردی غروب هنگام آفتاب تشبیه بلیغ کرده است.

* فه‌قیانه‌ش^۱ فارغ وه‌شه‌ماله‌وه
پیچ وه‌رده‌ن چون مار وه‌دوو باله‌وه

شاعر با استفاده از عنصر خیال و با تصویر سازی کم نظیری «فه‌قیانه» محبوب را در معرض وزش باد شمال به دو مار مانند کرده است که به دور دستانش پیچیده شده است.

۱- فه‌قیانه تیکه ای از پیراهن لباس زنان کورد می‌باشد که به سر آستین متصل می‌شود که بر روی مچ تا آرنج می‌پیچند و گاهی هم به صورت باز برای زیبایی و جلوه‌ی بیشتر استفاده می‌کنند.

۲ استعاره:

استعاره در لغت به معنی عاریت گرفتن است و آن به کار بردن کلمه ای در غیر معنی حقیقی خودش یعنی در معنای مجازی است که زیر ساخت تشبیهی دارد، می توان چنین گفت که استعاره همان تشبیه است که در آن، یکی از طرفین تشبیه (مشبه، مشبه به) حذف شده است، به عبارت بهتر در استعاره واژه ای را به جای واژه ای دیگر قرار می دهیم به این شرط که مشابهت داشته باشند.

یکی از دلایل استفاده از استعاره، تکراری شدن تشبیهات مختلف و رواج آن بین عامه مردم است. «استعاره بزرگترین کشف هنرمند است و عالی ترین امکانات در حیطه زبان هنری است. ما با استعاره عالم محدود حقیقی و دایره بسته واژگانی را فرو می ریزیم» (شمیسا ۱۳۷۵).

با به قول استاد شفیعی کدکنی «(زبان استعاره می تواند عواطف و احساسات قلبی شاعر را که زبان معمولی توان بیان آن را ندارد، با زبانی لطیف و نرم و به دور از منطق معمولی سخن بیان کند)» (شفیعی کدکنی ۱۳۵۰).

تفاوت تشبیه و استعاره در این است که در تشبیه ادعای همانندی وجود دارد ولی در استعاره ادعای یکسانی. استعاره را بر دو نوع تقسیم کرده اند: ۱. استعاره مصرحه ۲. استعاره مکنیه

نمونه برای استعاره مصرحه :

* عووده ن، عه مبه رهن، عه ترهن، عه بیرهن عاجه ن، به هاجه ن، تاجه ن، سه ریره ن

در این بیت با توجه به غزل « شیرین خه یالی » و ابیات ماقبل آن واژه های عود، عنبر، عطر، عبیر، عاج، بهاج، تاج و سریر به زیبایی خاصی استعاره مصرحه از « شیرین » بانوی زیبای ارمنی که به نوعی زیبایی و خوش قد و قامتی وی را توصیف کرده است.

* زهرده ی گوی زه نه خ، لیمو کاله که ی نه قش «مانی» یه ن چمان خاله که ی

توضیح اینکه شاعر سینه های زیبای دختر نورسیده را به لیموی نارس همانند کرده است و با حذف مشبه به و آوردن مشبه استعاره مصرحه زیبایی را خلق کرده است و همچنین در مصرع دوم تشبیه زیبایی به کاربرده است.

نمونه برای استعاره مکنیه:

* سیاپوشه که م سیاپوشه که م وهش ئامای ئه ی مای سیاپوشه که م

در بیت فوق به ویژه در مصراع دوم شاعر محبوب و معشوق خود را که عزادار است به مهتاب تشبیه کرده است که رخت سیاه که از صفات و نماد عزا است بر تن کرده است.

۳- تشخیص یا (آدم نمایی):

نوعی استعاره مکنیه است که صفت یا رفتار انسانی را به جانوران یا اشیاء و چیزهای بی جان و انتزاعی نسبت می دهد.

نمونه:

* ((شه و بۆ)) له شاهۆ سه رکیشا ئه و بهر مه دره وشۆ چوون خال ژیر لئو دولبه ر

که در این بیت گل شب بو مانند انسانی از قله کوه شاهو سر برآورده است و اطرافش را می پاید.

* ((مامیری)) په شینو ((ساناو)) هه زینه ن شاهوه کۆ کۆکۆ واوه یلاو شینه ن

همانگونه که مشاهده می شود شاعر به جان دادن به یکی از صخره های مشهور کوه شاهو ((مامیر)) و همچنین کوه ((ساناو)) به آنها پریشانی و اندوهگینی که مختص انسان است نسبت داده است و علاوه بر آن تمام رشته کوه شاهو از دوری شخص مورد نظر در ماتم و شیون وزاری به سر برده است.

۴ مجاز:

یکی از آرایه های ادبی در ادبیات مجاز می باشد در اصطلاح ادبی به لفظی گفته می شود که شاعر در کلام می آورد و معنای دیگری غیر از معنای اصلی و ظاهری آن را در نظر دارد و با بکار بردن قرینه ای، ذهن مخاطب را از معنای ظاهری به معنای باطنی مورد نظر خود رهنمون می کند، توضیح اینکه رابطه و پیوندی میان معنی حقیقی و معنی مجازی هست که به آن ((علاقه)) می گوئیم. که انواع مختلفی دارد.

نمونه:

* جوانرۆ بۆ، مات و ماتلەن چون بۆلۆل یه کسه ر چه مه پرای گۆلەن

که در این بیت ((جوانرۆ)) مجاز از اهل و ساکنان شهر جوانرود به علاقه محلیه است.

* مه واپان: پۆلە ی جوانه مه رگمان تا مه حشه ر که رده سیابه رگمان

((سیابه‌رگ)) یا لباس سیاه که نشانه و مجازی از عزاداری به علاقه سبیه که سبب پوشیدن رخت سیاه عزاداری است. و یکی از نمادهای آن است.

* هەر که‌سیّ بدا گیان له پراگهی حهق و بهر حهق خودا، بناسیّ وه حهق

جان دادن، مجاز از مردن و در اینجا به طور خاص شهادت به علاقه لازمیه یکی از الزامات مردن، رفتن جان از بدن است.

۵ کنایه :

کنایه در لغت به معنی پوشیده سخن گفتن و در اصطلاح سخنی است که دارای دو معنی نزدیک و دور می‌باشد و این دو معنی لازم و ملزوم یکدیگر باشند و گوینده آن جمله را چنان ترکیب کند و به کار برد که ذهن شنونده از معنی نزدیک به معنی دور منتقل گردد (جلال الدین همایی ۱۳۸۳).

لازم به ذکر است که کنایه بر خلاف مجاز یک عبارت است. نمونه:

* خامۆش بیّ چرای مالم پۆله گیان! بیّ ئیوه شکیان، بالم پۆله گیان

در این بیت عبارت خاموش بودن چراغ و همچنین شکستن بال کنایه از ضعیف شدن و ناتوانی و فرسودگی در نتیجه تحمل بار سنگین غم و غصه است.

* عاشق که‌سیّوه نه‌نیشۆ وه شاد تا له پای مه‌تلّهب، سهر نه‌دۆ وه باد

در این شعر سر به باد دادن کنایه از خویشتن را فنا دادن و به نابودی سپردن.

* که‌سیّ بۆ که‌سیّ بکه‌نیّ چایه خۆی تیّ ده‌که‌فیّ، ئیتر ده‌رنایه

چاه کندن برای کسی کنایه از طرح نقشه بدی برای کسی داشتن که مفهوم بیت یادآور یک مثل معروف نیز می‌باشد.

۶ واج آرایه:

واج آرایه به معنی آراسته سخن گفتن است، وقتی تکرار یک یا چند صامت یا مصوت بیش از حد معمول در بخشی از شعر رخ دهد، به گونه‌ای که آن را خوش آهنگ کند، به آن ((واج آرایه)) یا ((نغمه حروف)) می‌گوییم.

نمونه:

* نهک وهک تورپه‌ی لوول له‌ولاولی لاوان یه‌ک یه‌ک وه مه‌لوول، خانش مه‌لاوان

تکرار واج ((ل))، هفت بار و ((ک)) چهار بار

* شه‌هید شه‌یدای، شیفته‌ی شیوه‌ت بیم وه خه‌یال خال، لیوت لیوه‌ت بیم

تکرار واج ((ش)) در مصرع اول به صورت آهنگین ۴ بار و ((ل)) در مصرع دوم ۴ بار.

* جه‌لال و جلو‌هی، جه‌م ئارای جه‌مه‌ن جه‌م نمای خاتر، خاتر ناجه‌مه‌ن

واج آرایی دلنشینی در واج ((ج)) ۶ بار گرچه واژه جه‌م و خاتر تکرار زیبایی داشته است.

۷ واژه آرایی (آرایه تکرار):

هرگاه یک واژه در شعر یا نثر چندین بار تکرار شده باشد و این تکرار بر روی موسیقی و آهنگ نوشته یا شعر تأثیر گذاشته باشد واژه آرایی یا آرایه تکرار می‌گویند.

نمونه:

* نازارم به ناز چه‌نیم ناز که‌ره به ناز قاپی ناز له‌پرووم باز که‌ره

تکرار واژه ناز به صورت بسیار موزون و دلنواز ۴ مرتبه

* دیدهم زه‌رور بی، دیدهم زه‌رور بی دیدهم پهی دیده‌ن، دیده‌ت زه‌رور بی

تکرار واژه ((دیده)) در این بیت ۵ بار و همچنین واژه ((بی)) سه بار.

* فریارپه‌س برپه‌س، توی فریارپه‌سم بی‌که‌سم بی‌که‌س، بی‌که‌س توی که‌سم

تکرار واژه ((که‌س)) ۴ بار و تکرار واژه ((په‌س)) ۳ بار.

۸ جناس:

جناس به کار بردن واژه هایی است که تلفظ یکسان و نزدیک به هم دارند این آرایه بر تأثیر موسیقی و آهنگ سخن می‌پردازد. جناس دو نوع است: ۱. جناس تام ۲. جناس ناقص

نمونه:

* هه‌ناسه‌م چوون دووی ده‌ماوه‌ن ده‌م ده‌م مه‌خیزۆ ده‌م ده‌م له ده‌م وینه‌ی ته‌م

که بین دم به معنی لحظه با دم به معنی دهان و یا نَفَس جناس تام دارد و همچنین دم با ته‌م جناس ناقص اختلافی دارد.

* ((چنار)) ((چنارم)) ئامام وه به‌رزه له به‌رزییم، ئامان وه له‌رزه

در این بیت واژه چنار استعاره از محبوب با چنار به اسم روستا جناس تام وجود دارد و نیز واژه به‌رزه که اسم روستا می‌باشد با به‌رز به معنی بلندی جناس تام دارد و علاوه بر آن در بین واژه‌های به‌رزه و له‌رزه جناس ناقص اختلافی وجود دارد.

* له خه‌رمان مانگ، جه‌مالّت شه‌وئ دَلخۆشم ئه‌گه‌ر، پیم بده‌ی جه‌وئ

که در بین دو واژه ی (شه‌وئ) و (جه‌وئ) جناس ناقص اختلافی به کار رفته است.

۹ مراعات نظیر:

مراعات نظیر آوردن واژه‌هایی است که در سخن با یکدیگر تناسب و ارتباط معنایی دارند، این آرایه بین حداقل دو واژه از نظر معنایی که باعث می‌شود سخن زیباتر و جذابتر شود می‌آید.

نمونه:

* ((نه‌رگس)) و ((سۆسه‌ن)) ((وه‌نه‌وشه‌ی)) پهل دیز چنور و شه‌وبۆ مه‌خیزان نه‌پیز

شبکه معنایی بین واژه‌های نرگس، سوسن، بنفشه، چنور و شب بو که همگی اسم گل هستند و همچنین به نوعی ارتباط معنایی وجود دارد.

* قومری مات جه‌پرات، که‌بووته‌ر سه‌رسام ته‌یه‌وو ته‌رز ته‌ور، که‌بک خۆش خه‌رام

که در این بیت بین واژگان قمری، کبوتر، تیهو و کبک که همگی پرنده هستند مراعات نظیر همراه با تشخیص زیبایی جلوه‌گری یافته است.

* دهردم گرانه، دهرمانی قاتهن ئه‌گهر مه‌یلت بۆ دارووم له‌لاتهن

در بیت فوق بین واژه‌های درد، درمان و دارو ارتباط معنایی وجود دارد.

۱۰ تضاد: تضاد آوردن دو کلمه مخالف از نظر معنی در یک بیت یا مصرع است که قدرت تداعی دارد و از این رو سبب تلاش ذهنی می‌شود.

نمونه:

* زام کۆنه و نۆم، کول ئاوه‌رد وه سۆ که‌فتم وه خه‌یال، خال و زولف تۆ

در بین دو واژه کهنه و نو به صورت زیبا و هنری تضاد ایجاد شده است.

* گا مه‌دا نیش و گا مه‌که‌ر نۆشم ئه‌ونیش و نۆشه هه‌ر ها له هۆشم

در این بیت بین واژه‌های نوش و نیش علاوه بر تکرار زیبایی آن تضاد بکار رفته است.

* شادیش لی بیزار، غه‌مش له ویره‌ن شادیش له تۆر دام، غه‌مش ئه‌سیره‌ن

که بین دو واژه غم و شادی تضاد معنای زیبا و هنری ایجاد شده است.

۱۱ پارادوکس یا متناقض نما:

پارادوکس آوردن دو واژه با دو معنی که به ظاهر متناقض و متضاد به نظر می‌رسند و وجود یکی باعث نقض دیگری می‌شود و زیبایی آن در این است که ترکیب سخن به گونه‌ای باشد که تناقض منطقی آن از قدرت اقناع ذهنی و زیبایی آن نکاهد.

نمونه:

* چارم ناچاره‌ن، پای پراسیم چه‌فته‌ن دوور بۆ جه ئازیز، سه‌خت کۆسم که‌فته‌ن

در این بیت چاره داشتن در عین ناچاری و راست بودن در عین کج بودن پارادوکس وجود دارد.

* وه په ژاره وه، بهر لوا هوښم دیم دهنگی بی دهنگ ئاماوه گوښم

شاعر با ترکیب ((دهنگی بی دهنگ)) فریاد در عین خاموشی و بی صدایی، پارادوکس زیبایی ایجاد کرده است.

* ئه حمه د ئه ر شاعیر نازک خه یالی تالی شیرینه ن له بی که مالی

در این بیت بین دو واژه متضاد تلخ و شیرین به صورت ترکیب و همراه با پارادوکس بکار رفته است.

۱۲ تلمیح:

تلمیح در لغت به معنی اشاره کردن با گوشه چشم است و در اصطلاح آن است که نویسنده و گوینده در ضمن نوشتار یا گفتار خویش به آیه، حدیث، داستان یا مثل قرآنی اشاره داشته باشد.

نمونه:

* بی میخ و ستون سه ما ئیجاد کهر ((ئبراهیم)) جه نار، ((نه مرود)) نه جات دهر

که در مصرع اول اشاره شده به آیه دوم رعد چگونگی خلقت آسمان و همچنین مصرع دوم به داستان قرآنی آیه ۹۶ از سوره انبیا در مورد در آتش افکندن حضرت ابراهیم به وسیله نمرود.

* زه حاک زالم مار نه دوشی دیم په ی قه تل ناحه ق مه زلووم کوښی دیم

در این بیت اشاره به داستان تاریخی ضحاک و کاوه آهنگر است که در شاهنامه فردوسی موجود می باشد.

۱۳ تضمین:

تضمین در لغت به معنی ضمانت کردن به انجام کاری است و در اصطلاح آوردن اصل آیه، حدیث و یا مصرع، بیت یا سخن دیگری را در شعر یا کلام تضمین می گویند.

نمونه:

* به نام نامیت، ئه سیل و نه جیب ((نصر من الله و فتح قریب))

در این بیت تضمین از آیه قرآن صورت گرفته است آیه ۱۳ سوره مبارکه صف.

* مه سپارووت به زات ((الله الصمد)) هه نی نه وینی، له دونیای دون به د

در این بیت هم تضمین به آیه قرآن صورت گرفته است. آیه شماره ۲ سوره مبارکه توحید.

۱۴ مبالغه و اغراق:

هنگامی است که شاعر یا نویسنده صنعتی را در فرد یا پدیده ای که مطابق عرف و عادت جاری پذیرفته نیست و در عالم واقع امکان دست یابی به آن صفت وجود ندارد و یا زیاده روی و بزرگنمایی در توصیف کسی یا چیزی را اغراق می گویند مانند:

* عاقیق بؤ له عل، لیوت خجلهن سیف بؤ سیف زنج، داخش له دلهن

که در این بیت با زیاده روی در توصیف و زیبایی معشوق در مقابل لبان زیبای او عقیق و مروارید را شرمند می داند.

* یه خ که ردهن ئاوان، جه ئاه سهردم زارم، زویرم، زه عیفم، زهردم

شاعر با برجسته‌نمایی اندوه خود به گونه‌ای که در اثر سردی آه دردناک آبها یخ بسته‌اند. مبالغه و اغراق زیبایی به کار برده است.

* مه غریب عاده تش ئیده ن چوون ((ئه ژدهر)) مه پیچۆ وه تووّل بالآت چون ((عه رعهر))

در این بیت زلف سیاه معشوق با توصیف و تشبیه اغراق آمیز همچون ازدهایی بر روی اندام عرعر گونه معشوق پیچیده شده است.

۱۵ ایهام:

در اصطلاح ادبی به کار بردن واژه یا ترکیبی در دو معنی نزدیک و دور به ذهن است که هر کدام از آن دو معنی را بتوان از آن برداشت کرد ایهام در کلام موجب زیبا آفرینی می شود و هنری ترین آرایه معنوی به شمار می رود.

نمونه:

* زمسان ئیمسال، ئه رچی قه هار بی له شەش به ههمن، گۆل ئاشکار بی

واژه مرکب ((شش بهمن)) ایهام دارد به دو معنی ۱- با توجه به شعر پروین بی پروا اسم محله‌ای از محله‌های شهر کرمانشاه است ۲- همچنین اشاره دارد به تاریخ روز ششم بهمن ماه فصل زمستان.

* وه پێزه‌ی پازان، شه‌که‌ر رێزه‌که‌م سه‌رو سه‌هی ته‌رز، سه‌حه‌ر خێزه‌که‌م

که شاعر در این بیت واژه شکر را در دو معنی یکی به معنی اسم خاص و دیگر استفاده از سخنان نگر و شیرین بکار برده است.

۱۵. ایهام تناسب:

واژه هنگامی دارای ایهام تناسب است که بر خلاف ایهام یکی از معانی آن مورد نظر شاعر یا نویسنده باشد و آن معنایی است که در بیت یا نوشته یا دیگر واژه‌هایی به کار رفته در آن بیت تناسب نداشته باشد.

نمونه:

* شه‌هیدئه برؤی که مانم ئازیز پیکیای سهر نیش، په‌یکانم ئازیز

که در این بیت واژه کمان استعاره از ابروی معشوق و در معنای دیگری با واژه پیکان و نیش تناسب دارد.

* توولّه نه‌مامه‌ن، سه‌ولّه‌ن، عه‌ره‌ره‌ن شوخه‌ن، شیرینه‌ن، شه‌هده‌ن، شه‌که‌ره‌ن

در بیت فوق شیرین در یک معنی ((شیرین)) شاهزاده ارمنی و در معنی دیگر مزه شیرین را به ذهن تبادر می‌کند که با شهد و شکر تناسب دارد.

۱۷. حسن تعلیل :

حسن تعلیل در لغت به معنی دلیل و برهان آوردن است در اصطلاح ادبی آن است که دلیلی هنری و شاعرانه و غیر واقعی برای امری بیاورند، به گونه‌ای که بتواند مخاطب را قانع کند و خیال انگیز باشد.

نمونه:

* ساداری سوّسه‌ن، سیمای شیوه‌ته‌ن شه‌قایق له شه‌وق، شیوه‌ت لیوه‌ته‌ن

در این جا شاعر زیبایی معشوق را به گونه‌ای توصیف کرده که گل شقایق در شوق دیدار او دیوانه و بی‌قرار شده است.

* نالّهی بولبولّ پهی، قه‌ده‌م ره‌نجه‌ته‌ن شمشاد حه‌سره‌تمه‌ند، ده‌س و په‌نجه‌ته‌ن

شاعر فغان و ناله بلبل را در اثر آمدن و رفتن تو می‌داند در حالیکه شمشاد نیز به دست و پنجه زیبای معشوق غبطه می‌خورد.

* زمسان ((بیجار)) نه‌رچه قه‌هاره‌ن له بۆی گول پروخان ماچی به‌هاره‌ن

در این بیت زمستان سخت شهربیجار در اثر عطر و بوی زیارویان به بهار دل انگیز تبدیل شده است.

۱۸ لف و نشر:

لف به معنی پیچیدن و نشر به معنی باز کردن است، در اصطلاح ادبی هنگامی که دو یا چند چیز را نخست بدون توضیح در پی هم بیاورند (لف) و سپس توضیحات مربوط به هرکدام را ذکر کنند (نشر) می‌گویند و بر دو نوع است مرتب و مشوّش.

نمونه:

* گیان و دلّ به زولّف، سیاش وه زه‌نجیر که‌رد و گرت و به‌رد هه‌ر دوو به‌ئه‌سیر

در این بیت برای لف‌های جان و دل به ترتیب نشرهای گرفتن و بردن ذکر شده است.

* دلّدار و دلّ‌هر، مه‌بۆ یه‌ک دلّ بۆ نه‌ئه‌م بی‌خه‌به‌ر، ئه‌و دلّ غافل بۆ

در بیت فوق برای لف‌های عاشق و معشوق با زیباییهای خاصی نشرهای بی‌خبری و غفلت آورده شده است.

* وه قه‌وّل سوّفی، وه گوّفته‌ی ده‌رویش دلّیان گه‌رم بوو، چ بزن و چ میّش

با توجه به شعر زیبای توبه‌ی گرگ شاعر، اینگونه استنباط می‌شود که برای لف‌های صوفی و درویش نشرهای بز و گوسفند با ظرافت خاصی آورده شده است

۱۹ حس آمیزی:

آمیختن دو یا چند حس در کلام، چنان که ذهن را به کنجکاوی وا دارد و با ایجاد موسیقی معنوی، بر تأثیر و زیبایی سخن بیفزاید. نمونه:

* نازک و نازار، قه‌مه‌ر ته‌لعه‌تی شه‌که‌ر گوّفتار و شیرین لوعبه‌تی

در این بیت شاعر ترکیب شکر گفتار (شیرین سخن) را به کار برده که با ایجاد موسیقی و همچنین تناسب شکر و شیرین دو حس چشایی و شنوایی را با هم آمیخته است.

* چون یه چه‌ندی وهن، هامده‌مت تالهن له تالی ده‌مت، دایم پر ژالهن

در این بیت در ترکیب دهان تلخ به معنای مجازی سخن تلخ حسامیزی هنرمندانه ای بکار رفته است آمیختن دو حس شنوایی (سخن) و چشایی (تلخ).

نتیجه گیری:

پس از بررسی اجمالی در اشعار میرزا احمد داواشی به این نتیجه رسیدیم که غالب اشعارش در حوزه ادبیات غنایی جای می گیرد و حجم قابل توجهی از سروده های او به توصیف طبیعت، مکانها و همچنین عشق و دلدادگی اختصاص دارد، ولی گذشته از توصیف جاذبه های طبیعی دیار خود در وصف معشوق زمینی دستی توانا داشته و با هنرمندی و لطافت خاصی به تصویر پردازی آن پرداخته است و لحظات زیبای عاشقانه و وصال و فراق معشوق را روایت نموده است بنابر این بدیهی است که برای به تصویر کشیدن این توصیفات و تصویرپردازیهای خیالی از عناصر زیبایی سخن بهره برده باشد.

امید است که جویندگان و علاقه مندان به ادبیات با بررسی های بهتر و موشکافانه تر جلوه ها و جنبه های نهفته و لایه های پنهان اشعار و زندگی این شاعر فرهیخته فقید را بیشتر واکاوی نموده و در مظهر دید همگان قرار داده و همچنین موسیقی گوشنواز اشعار این شاعر کم نظیر را به گوش علاقمندان و طرفداران ادبیات گُردی برسانند.

Abstract:

Undoubtedly, one of the components of the great poets of every nation and nation is the presentation of aesthetic effects and the use of elements of imagination in an artistic way, not in an artificial and dramatic way in their works. And on this basis, in the history of Persian literature, Hafez, Saadi and Molana have excelled more than other poets in this field, and those who are interested in the science of literary aesthetics have been and continue to be watered. Also, in the field of Kurdish literature, prominent poets such as Mamosta Nali, Mahvi, Molavi, Goran and Heman have gained more exposure in this field. In fact, literary arts are one of the poetic arts, they add meaning to the verbal beauty of poetry, and poets have been using these poetic techniques since long ago to stimulate the taste of the readers. Our discussed poet "Mirza Ahmad and Dawashi" (born 1359-1280 AH), as a poet who understands the spirit of words well, has increased the effects and artistic aspects of his poetry by using the elements of the beauty of speech and literary arrays. of the month "Mirza Ahmad and Dadashi" (born 1359-1280 AH), as a poet who understands the spirit of words well, has increased the effects and artistic aspects of his poetry by using the elements of the beauty of speech and literary arrays. Also, being aware of his vast artistic capacities and poetic language and his tender feeling in the form of lyrical poems and its themes of love, imagination and description of nature, etc., he has given a special literary beauty to his poems. In this research, although the frequency of the beautiful elements of speech and literary arrays is more extensive, some of the arrays that are more widely used in poets' poems have been examined as usual.

Keyword:

Imaginary images, beauty elements of speech, array in literature, Mirza Ahmad Dawashi.

منابع و مأخذ:

۱. داواشی، میرزا احمد، دیوان شعر، تهران: نشر احسان ۱۳۸۹
۲. مجموعه مقالات بررسی و تحلیل آثار و اندیشه ای میرزا احمد داواشی، کرمانشاه: گلچین ادب ۱۳۹۷
۳. همایی، جلال الدین، فنون بلاغت و صناعات ادبی، تهران: نشر هما ۱۳۸۳
۴. شفیعی کدکنی، صور خیال در شعر فارسی، تهران: انتشارات آگاه ۱۳۸۰
۵. شفیعی کدکنی، موسیقی شعر، تهران نشر ایران ۱۳۶۸
۶. شمیسا، سیروس، بیان، تهران: نشر میترا ۱۳۷۸
۷. نوروزی، جهانبخش، زیورهای سخن پارسی، شیراز: انتشارات نوید چاپ دوم ۱۳۷۸
۸. شمیسا، سیروس، نگاهی تازه به بدیع. تهران: نشر فردوس چاپ هشتم ۱۳۷۵
۹. زرین کوب، عبدالحسین، آشنایی با نقد ادبی، تهران: نشر سخن ۱۳۹۲
۱۰. ویکی پدیا/ اینترنت (سایتهای مختلف)